

فصلنامه مطالعات سیاسی جهان اسلام (علمی- پژوهشی)
سال چهارم، شماره (۱۴)، تابستان ۱۳۹۴، صص ۹۵-۱۱۹

آینده روابط ایران و ترکیه در پرتو تحولات چند سال اخیر جهان عرب

محمد رحیم عیوضی

استاد علوم سیاسی دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره)

عبداله حسینی*

دانش آموخته‌ی کارشناسی ارشد روابط بین‌الملل، دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره)

چکیده

در آخرین روزهای سال ۲۰۱۰، تحولاتی از تونس آغاز شد که نه تنها دیکتاتور این کشور را از قدرت به پایین کشید، بلکه موجب سقوط دیکتاتورهای دیگر کشورهای عرب همانند مصر، لیبی و یمن نیز شد. دو کشور ایران و ترکیه که دارای روابط پرفرازونشیبی در سال‌های دور، و روابط رو به رشدی در سال‌های اخیر بوده‌اند و نیز از قدرت‌های تأثیرگذار در خاورمیانه و جهان اسلام به شمار می‌روند، همانند برخی دیگر از کشورهای منطقه و قدرت‌های بزرگ، تلاش کرده‌اند قدرت و منابع خود را به کار بگیرند تا بتوانند هر چه بیشتر بر روند این تحولات تأثیر بگذارند، اما پرسش این پژوهش این است که تحولات چند سال اخیر در جهان عرب، چه تأثیری بر آینده روابط دو کشور خواهد داشت؟ در پاسخ به این پرسش می‌توان گفت با توجه به روند این تحولات، گستره و عمق روابط دو کشور ایران و ترکیه و حوزه‌های همکاری دو طرف (به‌ویژه حوزه‌های اقتصادی، سیاسی و امنیتی)، به نظر می‌رسد این تحولات تأثیر شگرفی بر روابط دو کشور در آینده نخواهد داشت.

واژگان کلیدی: تحولات اخیر جهان عرب، آینده روابط ایران و ترکیه.

* تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۳/۱۲/۱۸ تاریخ پذیرش نهایی: ۱۳۹۴/۳/۱۹
نویسنده عهده‌دار مکاتبات: a.hoseini812@gmail.com

مقدمه

اعتراضات مردمی که از تونس آغاز و به سرعت به سایر کشورهای شمال آفریقا و خاورمیانه تسری پیدا کرد، نشان از تغییراتی در معادلات سیاسی در منطقه و عرصه بین‌الملل داشته است، زیرا در آن شاهد افزایش نقش مردم در سیاست و کاهش قدرت دولت‌ها در مقابله با موج دموکراسی و آزادی‌خواهی هستیم. (یزدان فام، ۱۳۹۰: ۴۸) بر همین اساس، کشورهای تأثیرگذار منطقه نیز هر یک بر اساس قدرت و تأثیرگذاری خود تلاش کرده‌اند هر چه بیشتر بر این تحولات تأثیر گذارده و کمتر تأثیرپذیرند. در این میان جمهوری اسلامی ایران با توجه به سابقه استکبارستیزی و استبداد ستیزی خود، تلاش کرده است خود را با این تحولات همراه کرده، مردم این کشورها را با خود همگام کند.

در سوی دیگر، ترکیه نیز از همان ابتدا با توجه به سیاست‌های اعلانی و اعمالی خود و نظریه‌های ارائه شده از سوی وزیر خارجه سابق این کشور، احمد داود اوغلو، اقدام به همراهی با مردم کشورهای جهان عرب کرده، تلاش کرده است در راستای اهداف و منافع ملی خود و نزدیکی هر چه بیشتر به مردم کشورهای اسلامی، خود را به‌عنوان حامی اصلی آن‌ها معرفی کند. این گفته وزیر خارجه سابق ترکیه احمد داود اوغلو، در ترسیم دورنمای سیاست خارجی این کشور در جمع سفرای کشورش بیانگر همین مدعاست: «نباید در پی تاریخ دوید، بلکه باید در داخل آن بود و بر آن پیشی گرفت. باید پایه‌های تبدیل ترکیه به قدرتی جهانی را از هم‌اکنون پی‌ریزی کنیم. هرگونه ریسک را خواهیم پذیرفت.»

(<http://www.mfa.gov.tr>.2014) ترکیه تلاش دارد با اتکا به ظرفیت‌های داخلی و نیز همسویی با غرب گام‌های مهمی برای تحقق اهداف خود بردارد، آرمان‌هایی که برخی از آن به «احیای امپراتوری سنتی» تعبیر کرده‌اند. (جهان‌بین و پرتو، ۱۳۹۱: ۱۳۵) از سوی دیگر استمرار سرعت رشد اقتصادی ترکیه در طول مدت نوسازی این کشور در کنار سیستم سیاسی با محوریت تعدد حزبی باعث شده است تا این کشور به‌عنوان یک گزینه جذاب برای نخبگان عرب مطرح شود. (Onis, 2012: 55) این پژوهش در پی پاسخ به این پرسش است که تحولات چند سال اخیر در جهان عرب چه تأثیری بر آینده روابط دو کشور خواهد داشت؟ در پاسخ به این پرسش می‌توان گفت با توجه به روند این تحولات، گستره و عمق روابط دو کشور ایران و ترکیه و حوزه‌های همکاری دو طرف (به‌ویژه حوزه‌های اقتصادی، سیاسی و امنیتی) به نظر می‌رسد این تحولات تأثیر شگرفی بر روابط دو کشور نخواهد داشت.

چهار چوب نظری

برای تبیین دیدگاه دو کشور ایران و ترکیه در خصوص تحولات اخیر جهان عرب و تأثیر این تحولات بر آینده روابط این دو کشور، از نظریه سازه‌انگاری (Constructivism) استفاده می‌شود. تا اوایل دهه ۱۹۹۰ در حوزه روابط بین‌الملل شاهد مناظره اصلی واقع‌گرایان و لیبرال‌ها از یک‌سو و نظریه‌پردازان انتقادی و خردگرایان از سوی دیگر بودیم، اما تمام این محورهای مناظره با حضور رویکردی جدید به نام سازه‌انگاری در عرصه مطالعات و پژوهش روابط بین‌الملل به چالش کشیده شد. (حاجی‌یوسفی، ۱۳۸۱: ۱۰۰۶)

از نظر مباحث فرا نظری می‌توان سازه‌انگاران را در میانه طیف طبیعت‌گرایان - اثبات‌گرایان از یک‌سو و پساساختارگرایان از سوی دیگر و در مباحث محتوایی روابط بین‌الملل در میانه دو بخش جریان اصلی یعنی واقع‌گرایی و لیبرالیسم قرار داد. (حاجی‌یوسفی، ۱۳۹۰: ۳۲۳) این نگرش بر ساخت اجتماعی واقعیت تأکید می‌کند که همه کنش‌های انسانی در فضایی اجتماعی شکل می‌گیرد و معنا پیدا می‌کند و این معنا سازی است که به واقعیات جهانی شکل می‌دهد. در تئوری سازه‌انگاری، هویت‌ها، هنجارها و فرهنگ نقش مهمی در سیاست‌های جهانی ایفا می‌کنند. هویت‌ها و منافع دولت‌ها توسط هنجارها، تعاملات و فرهنگ‌ها ایجاد می‌شود و این «فرایند» است که موضوع تعامل دولت‌ها را تعیین می‌نماید. سازه‌انگاری به این امر می‌پردازد که چگونه هویت‌ها و هنجارهای اجتماعی مردم می‌توانند با روابط نهادینه میان آن‌ها گسترش یابد. (هادیان، ۱۳۸۲: ۹۱۵) پس؛ درواقع، روابط میان دولت‌ها بر اساس معنایی است که آن‌ها برای یکدیگر قائل‌اند.

در این نظریه، به دلیل آنکه منافع از روابط اجتماعی حاصل می‌شود و روابط دولت‌ها باهم بر اساس معنایی است که آن‌ها برای یکدیگر قائل‌اند، پس هویت یک امر رابطه‌ای است که به معنای درک از خود و انتظارات از دیگران است. عمل نسبت به دیگران بر اساس معنایی است که نسبت به آن کارگزار وجود دارد. همچنین اولویت‌های بین‌الملل کارگزاران بر اثر جامعه‌پذیری درون جامعه بین‌الملل حاصل می‌شود، اما نگاه سازه‌انگاران به هنجارها و قواعد نیز مهم است. در زمینه تأکید بر هنجارها با نظریات لیبرال اشتراک دارند، اما تفاوت محسوسی که با لیبرال‌ها دارند این است که لیبرال‌ها بر جنبه تنظیمی هنجارها تأکید دارند درحالی‌که سازه‌انگاران علاوه بر جنبه تنظیمی بر جنبه تکوینی آن‌ها نیز توجه می‌کنند و بر این اعتقادند که هنجارها در پی فرایندهایی مانند تعاملات به وجود می‌آیند. تأکید آن‌ها بر نقش تکوینی عوامل فکری آن‌ها را در برابر مادی‌گرایی حاکم بر جریان اصلی در روابط بین‌الملل قرار می‌دهد. (مشیرزاده، ۱۳۹۰: ۳۲۴-۳۶۳)

درواقع، سازه‌انگاران کانون بحث را در روابط بین‌الملل از معرفت‌شناسی به هستی‌شناسی منتقل کردند. (مشیرزاده، ۱۳۹۰: ۳۲۴) آن‌ها رفتار دولت را در متن اجتماعی آن دولت مورد بررسی

قرار می‌دهند و بازیگران را برحسب معانی ذهنی، زبان و باورهای خود (که متأثر از تلقی‌های هویتی آن‌هاست) اقدام به کنش متقابل می‌کنند که طبق آن واقعیت را می‌سازند و خود نیز ساخته می‌شوند. نتیجه طبیعی این امر در بررسی رفتار سیاست خارجی یک کشور بدین شکل است که یک دولت، بر اساس تعریف از هویت خود، جهان اطراف خود را تعریف می‌کند و بر اساس آن دست به کنش می‌زند و در این کنش واقعیت نظام بین‌الملل را می‌سازد و متقابلاً خود نیز ساخته می‌شود. (بیلیس و اسمیت، ۱۳۸۳: ۵۴۶-۵۵۶) این نظریه، دولت را همچنان مهم-ترین واحد سیاسی و بازیگر اصلی نظام در تبیین تعاملات بین‌المللی می‌داند، زیرا معتقد است حاکمیت و اقتدار معمول بر اساس اصول دولت‌محوری قرار گرفته است و این دولت‌ها هستند که به واسطه عملکردهای خود ساختار بین‌المللی را پدید می‌آورند. (حیدری و انعامی علمداری، ۱۳۸۸: ۱۷۷) آن‌ها می‌گویند روابط بین‌الملل بی‌قاعده نیست، بلکه از یک سری اصول و قواعد پیروی می‌کند. روابط بین‌الملل تعدادی از کنش‌گران سیاسی را در برمی‌گیرد که در تعامل متقابل با یکدیگر می‌باشند که این تعامل متقابل و مستمر بر اساس قواعد و هنجارهایی که به صورت بین‌الذهانی شکل گرفته‌اند صورت می‌گیرد؛ بنابراین، ساختار نظام بین‌الملل شامل هر دو عامل فرهنگی و مادی است، درعین حال ساختارهای فرهنگی مورد توجه بیشتری قرار می‌گیرند، زیرا هنجارها و هویت در کانون منافع ملی و فراملی قرار دارد. پس منافع و اهداف روابط خارجی بین دولت‌ها ارتباط نزدیکی با هویت مسلط دولتی دارد. (هادیان، ۱۳۸۲: ۹۱۵)

بنابراین، مطابق نظریه سازه‌نگاری، برای فهم اینکه چرا دولت‌ها به منازعه با یکدیگر می‌پردازند یا به همکاری اقدام می‌کنند باید به بررسی این موضوع پرداخت که دولت‌ها چه تصویری از منافع محیطی که در آن زندگی می‌کنند دارند. چگونه این تصویر به خط‌مشی سیاسی و دفاعی تبدیل می‌شود و در درون این کنش‌ها نتایجی در روابط بین‌الملل به وجود می‌آید که ترکیبی از این تصورات و کنش‌ها به منازعه و ترکیبی دیگر به همکاری منجر می‌شود. (مسعودنیا و دیگران، ۱۳۹۱: ۱۵۲)

درنهایت اینکه در نظریه سازه‌نگاری هویت گروه‌های اجتماعی و از آن جمله دولت، دارای بعد داخلی و خارجی است. در بُعد داخلی آن را هویت ملی می‌نامند که متشکل از مجموعه هنجارهای مشترک و روایت‌های مردم آن کشور در طول زمان است. در بُعد خارجی نیز آن را هویت دولت می‌نامند که به جایگاه آن کشور در متن بین‌المللی ارجاع داده می‌شود و این متن‌ها دربردارنده تجربه‌های تاریخی، نهادها و سازمان‌های بین‌المللی و روابط با سایر دولت‌ها است. به‌عنوان مثال، برای شناخت و بررسی هویت ایران و ترکیه و تحلیل بهتر روابط این دو کشور، می‌باید به روابط دو کشور با کشورهای دیگر (مانند رژیم صهیونیستی، آمریکا و روسیه) عضویت دو کشور در نهادها (مانند پیمان بغداد، ناتو، سازمان همکاری) و برخی تجربه‌های

تاریخی (مانند امپراتوری‌های مستقر در دو کشور، جنگ جهانی دوم، جنگ سرد، جنگ ایران و عراق) عنایت داشت.

عوامل مؤثر بر روابط ایران و ترکیه

ژئوپلیتیک

پروفسور، داود اوغلو، در کتاب «عمق راهبردی، موقعیت ترکیه در صحنه بین‌المللی»^۱ به تفصیل به بررسی جایگاه ژئوپلیتیکی ایران و اشتراکات موجود با ترکیه پرداخته است. او بیان کرده است: «...یکی از ویژگی‌های مهم ایران در برخورداری آن از ماهیت گذرگاهی میان مناطق و قاره‌ها است که این کشور را به‌عنوان حوزه تأثیر متقابل سیاست جغرافیایی درآورده است. این ویژگی که سیر تاریخی ایران را نیز تحت تأثیر قرار داده، اساس تشابهات میان این کشور با ترکیه را تشکیل داده است. ایران نیز همانند ترکیه کشوری نیست که محدود به یک منطقه شده یا قابل‌تنزل به حوزه سیاست جغرافیایی واحدی باشد.» (داود اوغلو، ۱۳۹۱: ۴۱۵)

ویژگی‌های ژئوپلیتیکی دو کشور مهم و تأثیرگذار خاورمیانه را از نگاه داود اوغلو می‌توان این‌گونه دسته‌بندی کرد: ترجیحات استراتژیکی و سیاسی هر دو کشور ایران و ترکیه در دوره معاصر به دلیل ۱. قرار گرفتن بر روی خط‌گذرگاه اصلی ارتباط جنوبی آسیا-اروپا؛ ۲. داشتن مرز مشترک هر دو کشور با قفقازها؛ ۳. ارتباط دو دریای داخلی و خلیج مهم اوراسیا، یعنی دریای سیاه و دریای مدیترانه توسط ترکیه و دریای خزر و خلیج فارس از طریق ایران؛ ۴. ارتباط مستقیم ترکیه با جنوب اروپا و ایران با جنوب آسیا و ۵. درنهایت اینکه به دلیل تحت‌فشار بودن از سوی نیروی مسلط بر آسیای مرکزی (روسیه)، تحت تأثیر قرار گرفته است. (داود اوغلو، ۱۳۸۱: ۷۷ و ۷۶) با دقت در نقشه ذیل، نکات ذکرشده توسط داود اوغلو و نیز زوایای جایگاه دو کشور در خاورمیانه روشن‌تر خواهد شد.



نقشه (۱-۰): جایگاه ایران و ترکیه در خاورمیانه. ([http:// lib.utexas.edu](http://lib.utexas.edu).2013)

اقتصاد

در حالت کلی روابط ترکیه با ایران، به خصوص در دهه گذشته، از روندی منطقی پیروی کرده است. در سال ۱۳۹۰ ترکیه با صادرات ۳/۳ میلیارد دلار کالا به ایران، ۶/۴ درصد از کل واردات ایران را به خود اختصاص داده است. در برابر ایران با صادرات ۱/۱ میلیارد کالا (بدون نفت) حدود ۴ درصد از کل حجم صادرات خود را به ترکیه اختصاص داده است. در مجموع، در سال ۱۳۹۰ حجم تجارت خارجی دو کشور به ۶/۵ میلیارد دلار رسیده است. بدین ترتیب طی ۱۰ سال گذشته دو کشور توانسته‌اند حجم تجارت خارجی خود را شش برابر افزایش دهند. مقامات هر دو کشور بر این باور هستند که حجم تجارت خارجی و همکاری‌های اقتصادی دو کشور توان‌های بالقوه فراوانی دارند که باید به کار گرفته شوند و هنوز ظرفیت‌هایی خالی در هر دو طرف برای همکاری‌های اقتصادی وجود دارد. ([http:// khabaronline.ir](http://khabaronline.ir)).

داود اوغلو در آذرماه ۱۳۹۲ با حضور در پژوهشکده مطالعات استراتژیک خاورمیانه، بیان کرد: «آرزوی من این است که طرابوزان و بندرعباس، این راه‌های حمل و نقل، پرمشغله‌ترین بندرها شوند، زیرا آن‌ها کوتاه‌ترین مسیر برای دستیابی به اروپا - آسیا هستند.» (<http://fa.cmess.ir>) در همین سال، سفیر کشور ترکیه در دیدار با فعالان بخش خصوصی استان کردستان در سنج، حجم روابط تجاری دو کشور ایران و ترکیه در سال ۲۰۰۳ را ۲/۳ میلیارد دلار اعلام کرده و افزود این رقم در سال ۲۰۱۳ به بیش از ۲۲ میلیارد دلار رسیده است. وی حجم صادرات ترکیه به ایران را نیز در سال ۲۰۱۲، ۹/۹ میلیارد دلار و واردات این کشور از ایران را ۱۱/۹

میلیارد دلار بیان کرده است. در شش ماهه نخست سال ۲۰۱۳ حجم صادرات ترکیه به ایران ۹/۲ میلیارد دلار و واردات ترکیه از ایران ۴/۶ میلیارد دلار بوده است. (<http://mehrnews.com>) همچنین به سادگی با بررسی حجم مبادلات میان دو کشور، تفاوت میزان مبادلات تجاری قبل و پس از حاکمیت حزب عدالت و توسعه آشکار خواهد شد.

توریسم

امروزه توریسم یکی از اصلی‌ترین درآمدهای بسیاری از کشورهای دنیاست که نه تنها موجب درآمدزایی برای کشور میزبان می‌شود، بلکه به نوعی کشور میزبان می‌تواند از این طریق اقدام به انتقال فرهنگ، آداب، سنن، سبک زندگی و مقولاتی از این دست کند. فهمیدن این مهم برای دولت مردان ترکیه اعم از اسلام‌گرا و لائیک باعث شده است که این کشور در عرض کمتر از دو ده سال، از مقصدی معمولی به یکی از برترین مقاصد گردشگری جهان تبدیل شود. در سال ۲۰۱۳ ترکیه کشور پذیرای ۳۹ میلیون گردشگر بوده است. این در حالی است که در سال ۱۹۹۸ هنوز تعداد گردشگرانی که از این کشور بازدید می‌کردند به ۱۰ میلیون نفر هم نمی‌رسید. در همین راستا دولت ترکیه برای حمایت از صنعت گردشگری این کشور قدم تازه‌ای برداشته است. آنکارا اعلام کرده است بخشی از هزینه سوخت هواپیماهای حامل گردشگران ایرانی و روس به ترکیه را بر عهده می‌گیرد. روسیه با ۳/۵ میلیون نفر و ایران با ۱/۱ میلیون نفر در سال ۲۰۱۲ به ترتیب جایگاه دومین و هفتمین کشور در ارسال توریست به ترکیه را داشته‌اند. همچنین تلویزیون دولتی ترکیه سال گذشته اعلام کرد که مقصد اول گردشگران نروزی ایران در تعطیلات سال ۱۳۹۳، ترکیه بوده است. تعداد گردشگران ایرانی که در ۲۰۱۳ و در دو ماه نخست ۲۰۱۴ به ترکیه سفر کردند نسبت به مدت مشابه در سال گذشته با ۴۴ درصد افزایش، رشد فراوانی یافته است. طبق پیش‌بینی‌های انجام‌شده از سوی وزارت فرهنگ و گردشگری ترکیه، این میزان رشد انتظار می‌رود که تا سال‌های بعد نیز ادامه داشته باشد. طبق همین گزارش تعداد گردشگران ایرانی که در سال ۲۰۱۳ از ترکیه دیدار کردند حدود ۱/۲ میلیون نفر بود، اما انتظار می‌رود که این رقم در سال ۲۰۱۴ با ۵۰ درصد رشد به بیش از ۱/۷ میلیون نفر رسیده باشد. کشور ترکیه از سال ۲۰۱۰ با تشدید تحریم‌های غرب علیه ایران نه تنها از واردات نفت ایران محروم شد، بلکه بخش عظیمی از درآمد و گردشگران ایرانی را نیز از دست داد. «باسران اویسوی»، مدیر اتحادیه آژانس‌های مسافرتی ترکیه، (TURSAB) در همین زمینه پیش‌بینی کرده است که در صورت حذف تحریم‌ها شاهد آثار مثبت بیشتر و افزایش جدی در تعداد گردشگران ورودی از بازار ایران به ترکیه خواهیم بود. (<http://www.khabaronline.ir>)

مسئله کردها

«نژاد کرد از طایفه‌های پارسی و مادی ترکیب شده است و رفته‌رفته در کوهستان (ماد قدیم) مسکن گرفته‌اند. اساساً کلمه «کرد» و «گُرد»، یعنی دلیر و جنگی ... و این همان است که در شاهنامه گُرد خوانده شده طوایف کرد که در خاور نزدیک از ساحل مدیترانه تا ایران پراکنده‌اند، همه از طایفه‌های پارسی جدا شده، در زمان‌های مختلف در مسکن‌های دیگر سکونت یافته‌اند. ... اما زبان طوایف کرد هر جا که هستند، همان زبان مادی یا «پهلوی» است ...» (زکی‌بیگ، ۱۳۸۱: ۱۱ و ۱۲) کردها بزرگ‌ترین قومیت فاقد پرچم سیاسی در جهان هستند که نیمی از کردهای جهان، یعنی در حدود ۲۰ تا ۲۵ درصد از جمعیت ۷۰ میلیون نفری ترکیه، در این کشور ساکن هستند. (<http://www.csr.ir>) مسئله کردها از مهم‌ترین مباحث تأثیرگذار در طول تاریخ روابط دو کشور بوده است. همواره کردها در تلاش برای استقلال بوده‌اند و نمی‌توان زمانی را یافت که آن‌ها از این خواسته دور شده باشند، اما بدون ارزیابی و تشخیص دقیق ریشه‌های ژئوپلیتیکی و ژئواکونومیکی رویکردهای قدرت‌های بزرگ به این مسئله (مسئله کردها) در چهارچوب تعاریف مربوط به منافع فرامرزی، تحلیل و البته پیش‌بینی درست درباره آینده، بسیار دشوار خواهد بود. (داود اوغلو، ۱۳۸۱: ۹۸)

اما ترکیه در سال‌های اخیر و بنا به دلایل گوناگون اقداماتی را برای اعمال تغییراتی در رفتار خود درباره اقلیت‌های این کشور، اعم از کردها و علویان انجام داده است که از آن جمله می‌توان به دو پروژه «توسعه و شکوفایی» (Açılım Projesi) با هدف یافتن راه‌حلی برای مشکلات فرهنگی و سیاسی علویان و کردها اشاره کرد. پروژه «توسعه و شکوفایی کرد» (Kürt Açılımı) با هدف یافتن پاسخی مناسب برای مطالبات کردها و ایجاد زمینه‌هایی که در آن حقوق سیاسی، اجتماعی و فرهنگی کردها مورد بررسی قرار می‌گیرد، انجام شده است. (هاشمی، ۱۳۹۱: ۱۲۰)

مسئله فلسطین (روابط ترکیه و اسرائیل)

مسئله رابطه ترکیه با اسرائیل از مباحث مهمی است که می‌تواند بر روابط این کشور با ایران تأثیرگذار باشد. ترکیه اولین کشوری اسلامی بود که در تاریخ ۲۸ مارس ۱۹۴۹، اسرائیل را به رسمیت شناخت. (www.mfa.gov.tr.2014) با نگاه به چگونگی و زمان تأسیس اسرائیل توسط قدرت‌های غربی، همزمانی آن با تهدید اتحاد شوروی برای ترکیه و ورود این کشور به بلوک غرب و نزدیکی آن به امریکا که نتیجه‌ای جز قرار گرفتن دو کشور ترکیه و اسرائیل در کنار هم نداشت، می‌توان به دلایل اصلی نزدیکی این دو کشور پی برد. البته قدرت لابی‌های یهودی موجود در امریکا نیز در این نزدیکی بی‌تأثیر نبوده است.^۱ از این سو، روابط ترکیه با

اسرائیل، با روابط ترکیه با امریکا ارتباط دوسویه داشته است. (داود اوغلو، ۱۳۸۱: ۶۰). این دلایل باعث شد تا ترکیه روابط خود را با اسرائیل، با اندک فراز و فرودهایی پیش ببرد. در طول این مدت، روابط اقتصادی دو کشور گسترش یافت. تجارت سالانه دو کشور از ۲۰۰ میلیون دلار در سال ۱۹۹۳ به ۲ میلیارد دلار در سال ۲۰۰۴ رسید و از اواسط دهه ۱۹۹۰ ترکیه به بزرگ‌ترین جذب‌کننده توریست‌های اسرائیلی تبدیل شد. (سلامتی، ۱۳۸۹: ۱۷۶). این روابط در طول این دهه همچنان ادامه داشت. از خرید تسلیحات توسط ترکیه از اسرائیل گرفته تا امضای دو موافقت‌نامه محرمانه در فوریه و اوت ۱۹۹۶ که شامل موارد متعددی همچون: ۱. تجهیز و نوسازی ۵۴ فروند هواپیمای اف ۴ و ۵۶ فروند هواپیمای اف ۵ و تولید ۸۰۰ دستگاه تانک مرکاوا؛ ۲. پرواز آزمایشی-آموزشی جنگنده‌های دو کشور و مواردی از این دست می-شد. (یونسیان، ۱۳۸۴: ۹۲ و ۹۳).

حزب عدالت و توسعه از طرفی نه اقدام به قطع همکاری و روابط خود (که در زمان روی کار آمدن این حزب در سطح بالایی نیز بود) با اسرائیل کرده و نه سعی کرده است با نزدیکی بیش از حد به این کشور حساسیت و دشمنی مسلمانان و به خصوص اعراب را موجب شود. طی سال‌های گذشته، رهبران ارشد حزب و به طور مشخص رجب طیب اردوغان، دیدگاه‌های انتقادی خود را نسبت به امریکا و اسرائیل، پنهان نمی‌کردند، اما با وجود نگاه متفاوت حزب حاکم نسبت به دولت‌های گذشته، در طول این دوره نیز دولت ترکیه سعی کرد که مواضع اعلامی‌اش، خللی در مناسبات دوجانبه وارد نسازد.

(www.washingtoninstitute.org.2012) وزارت خارجه ترکیه اعلام کرده «برقراری موازنه در برخورد با مسئله فلسطین و اسرائیل از اصول سیاست خارجی ترکیه در چهارچوب «صلح در خانه، صلح در جهان»^۱ و «سیاست به صفر رساندن مشکلات با همسایگان»^۲ است. ما به دنبال سیاست گسترش روابط و همکاری با همه کشورهای منطقه و به‌ویژه با همسایگان، با هدف توسعه منطقه از طریق ثبات، امنیت و رفاه هستیم.» (www.mfa.gov.tr.2013)

جمهوری اسلامی ایران موجودیت اسرائیل را نپذیرفته و آن را به رسمیت نشناخته است، درحالی‌که ترکیه اولین کشوری است که این کار را انجام داده است. به این مطلب، جایگاه آرمان فلسطین، آزادی قدس و شعار «اسرائیل باید نابود بشود» بنیان‌گذار جمهوری اسلامی ایران را نیز باید افزود. در حالت عادی، برقراری رابطه و علاوه بر آن، برقراری روابط گسترده سیاسی، اقتصادی و حتی امنیتی با ترکیه قدری پیچیده به نظر می‌رسد، اما با نگاهی به روند روابط دو کشور در این زمینه‌ها در طی سالیان گذشته و از آن جمله مرادوات تجاری و اقتصادی می‌توان استدلال کرد که این دو کشور تلاش کرده‌اند مانع تأثیر این عامل در روابط خود شوند. به عبارت دیگر، با شرایط و محدودیت‌های ایران (به‌ویژه تحریم‌ها) و ترکیه (به‌ویژه نیاز به انرژی)، اسرائیل نقش چندانی در روابط دو کشور ایفا نکرده است. البته مطلب فوق و

ادامه این روند همچنان به نگرش دولت‌مردان این دو کشور و جلوگیری از تأثیر روابط فوق بر مناسباتشان بستگی دارد که به نظر می‌رسد این امر با محاسبات سود و زیان قابل‌درک باشد.

عضویت ترکیه در ناتو

اعلام دکترین ترومن در مارس ۱۹۴۷ نقطه عطفی در روابط آنکارا و غرب (مشخصاً آمریکا) به حساب می‌آید. بر اساس این دکترین، سیاست ایالات متحده می‌باید برای حمایت از مردم آزادی باشد که یا در حال مقابله با اقلیت‌های مسلح یا تحت حاکمیت خارجی هستند قرار گیرد. (امروز، ۱۳۶۳: ۱۲۷) به این ترتیب، حمایت سیاسی، نظامی و مالی ایالات متحده از ترکیه آغاز شد و این کشور نیز در مقابل، استراتژی ضد کمونیستی آمریکا را تحت حمایت قرار داد. در همین قالب، ترکیه در سال ۱۹۵۲ به عضویت سازمان پیمان آتلانتیک شمالی (ناتو) درآمد. (قنبرلو، ۱۳۹۱: ۱۸۸)

با پایان جنگ سرد و فروپاشی شوروی، یک خلأ قدرت در منطقه به وجود آمد و زمینه را برای طرح گسترش ناتو فراهم آورد. در این سال‌ها به دلیل آنکه تقریباً هر دو کشور ایران و ترکیه در یک جبهه قرار داشتند، عضویت ترکیه در ناتو نمی‌توانست خللی در روابط دو کشور ایجاد کند. در ادامه و پس از انقلاب اسلامی ایران نیز روابط رو به رشد دو کشور و همکاری‌های متنوع دو دولت عامل اصلی عدم بروز مشکلی جدی در روابط دو کشور در خصوص عضویت ترکیه در ناتو شد. همچنین مسئله استقرار سیستم دفاع موشکی ناتو در ترکیه از موضوعاتی بود که روابط دو کشور را در آن مقطع به شدت تحت تأثیر قرار داد. گام‌های اولیه این توافق در سال ۲۰۱۰ برداشته شده، در نشست نوامبر ۲۰۱۰، رهبران ناتو برای توسعه سیستم دفاعی این سازمان، طرح استقرار سیستم ضد موشکی را (پاتریوت Patriot) در ترکیه مطرح کردند. آمریکا و برخی از متحدانش با اعلام اینکه ایران هدف این سیستم است در تلاش بودند تا سوءظن روسیه را برطرف کنند، اما ترکیه با این امر مخالفت کرد و در نهایت در متن بیانیه از هیچ‌کشوری به عنوان هدف این سیستم نام برده نشد. یکی از شروط آنکارا برای پذیرش این طرح، تهدیدآمیز نبودن آن علیه همسایگان از جمله ایران و روسیه بود. (Kay, 2012: 45) این استقرار در سال ۲۰۱۱ و همزمان با بحران سوریه و در حالی که ترکیه از مخالفان مسلح آن کشور حمایت می‌کرد، انجام شد. استقرار این سیستم در ترکیه و همزمان حمایت این کشور از مخالفان حکومت بشار اسد، موجب شد ایران واکنش نشان دهد. با وجود رفت و آمدهای دیپلماتیک میان دو کشور برای حل این مسئله، دو طرف تا جایی پیش رفتند که در مقابل یکدیگر نیز موضع‌گیری کردند، اما در نهایت تحول‌چندانی در روابط دو کشور روی نداد.

غیرعربی بودن

همیشه اعراب به نژاد توجه ویژه داشته‌اند و در دوره‌های مختلف رهبران عربی برای اتحاد جهان عرب در تلاش بوده‌اند. سرآمد این اقدامات، تشکیل اتحادیه عرب با الگوبرداری از اتحادیه اروپا است. در منطقه‌ای که اکثریت قریب به اتفاق مردمان کشورهای آن، تماماً یا بیشترشان از نژاد عرب بوده و به زبان عربی تکلم می‌کنند، دو کشور ایران و ترکیه (که دارای اکثریت فارس و ترک می‌باشند) در تلاش‌اند تا با افزایش توان اقتصادی، سیاسی، نظامی، فرهنگی و غیره، رهبری منطقه را به دست گیرند. این دو کشور از این مورد می‌توانند برای نزدیکی دیدگاه‌ها و سیاست‌های منطقه‌ای خود، حداقل در خصوص مواضعی که اعراب در کنار یکدیگر و در مقابل این دو کشور اتخاذ می‌کنند، استفاده کنند. البته با عنایت به تعصبات قومی، زبانی و فرهنگی اعراب و تلاش برخی از این کشورها با تکیه بر دلارهای نفتی جهت ایجاد موانع متعدد برای تحقق اهداف دو کشور ایران و ترکیه (به‌خصوص برای ایران) تحقق خواسته‌های این دو کشور با موانعی از این دست و البته مسائلی که اعراب به صورت پنهانی در منطقه به وجود می‌آورند مواجه خواهند بود، اما با توجه به ابزارهای سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و در مواردی امنیتی دو کشور ایران و ترکیه، در صورت امکان نزدیکی معیارهای منطقه‌ای دو کشور، مقابله با این امر و حتی دستیابی به اهداف مشترک دو کشور دور از انتظار نخواهد بود، زیرا این دو کشور به‌عنوان دو وزنه سنگین منطقه و داشتن حدود هشتاد میلیون نفر جمعیت، آگاه‌اند که به‌عنوان دو کشور غیرعرب خاورمیانه، همواره از یافتن زمینه‌های مشترک همکاری نفع خواهند برد. همچنین آن‌ها می‌دانند که گفت‌وگویشان یکی از عوامل آرامش در منطقه‌ای است که به‌شدت نیازمند آرامش است. (<http://tik.ir>)

سیاست ایران در خصوص تحولات اخیر جهان عرب

با توجه به اینکه چند سالی بیشتر از عمر این تحولات سپری نشده است و هم‌اکنون نیز بسیاری از کارشناسان در انتظار تحولاتی دیگر در این کشورها هستند (به‌ویژه در بحرین و سوریه) منابع موجود برای استخراج دیدگاه ایران درباره این تحولات، سخنان مسئولان نظام و دولتمردان (سیاست‌اعلامی) و در ادامه، اقدامات انجام‌گرفته در عرصه سیاست خارجی (سیاست‌اعمالی) در طی این چند سال است. برای این منظور به نظر نگارنده بهترین منبع برای پی بردن به دیدگاه نظام جمهوری اسلامی ایران در خصوص این تحولات در قدم اول، بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی، حضرت آیت‌الله خامنه‌ای (مدظله‌العالی) است. ایشان در طی سخنانی درباره جرایبی این تحولات می‌فرمایند:

«به نظر من مهم‌ترین عنصر در این انقلاب‌ها، حضور واقعی و عمومی مردم در میدان عمل و صحنه مبارزه و جهاد است، نه فقط با دل و خواست و ایمانشان، بلکه علاوه بر آن، با جسم و تنشان ... در اینجا این مردم‌اند که شعارها را می‌سازند، هدف‌ها را معین می‌کنند، دشمن را شناسایی و معرفی و تعقیب می‌کنند، آینده مطلوب را اگرچه به‌اجمال ترسیم می‌کنند و در نتیجه، اجازه انحراف و سازش با دشمن و تغییر مسیر را به خواص سازش‌کار و آلوده و به طریق اولی به عوامل نفوذی دشمن نمی‌دهند.» (www.khamenei.ir)

دکتر صالحی وزیر خارجه وقت ایران نیز در اختتامیه اجلاس جهانی علما و بیداری اسلامی در خصوص دلایل تحولات اخیر جهان عرب معتقد است؛ این یک حرکت کاملاً مردمی و خودجوش و برخاسته از متن جامعه و در عین حال واکنشی است نسبت به ظلم و ستم موجود در این جوامع. نیز او معتقد است این واکنش به دلیل احساس ذلت ملل مسلمان این کشورها، به سیاست‌های دولت‌هایشان در تواضع و کرنش به کشورهای خارجی است. (<http://mfa.ir>) همچنین دکتر حسین امیرعبداللهیان، معاون عربی و افریقایی وزارت امور خارجه، ریشه این تحولات را در اسلام‌خواهی می‌داند و معتقد است ریشه و آغازگر این تحولات را باید انقلاب اسلامی دانسته، پدیده بیداری اسلامی را حقیقت انکارناپذیری تلقی کرد که حتی تجمیع امکانات مالی، سیاسی، فرهنگی و رسانه‌ای تمام قدرت‌ها در کند کردن روند بیداری اسلامی تأثیری نداشته، بلکه این تحولات هر روز پررنگ‌تر شده، ظهور قوی فرهنگ و هویت بیداری اسلامی را به همراه داشته است. او معتقد است:

«آن تحولاتی که ما از آن به‌عنوان بیداری اسلامی یاد می‌کنیم، مسئله‌ای نیست که یک‌شبه حاصل شده باشد تا یک‌شبه و یک‌ماهه هم از بین برود. البته نظام سلطه و برخی از بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای، به‌ویژه در یک سال و نیم گذشته تمام امکانات و توان خودشان را معطوف به این مسئله کردند که از پدیده‌ای به‌عنوان بیداری اسلامی هیچ‌گاه به‌عنوان یک عامل صلح، ثبات، امنیت و توسعه پایدار در منطقه یاد نکنند...» (<http://mfa.ir>)

با فراگیر شدن تحولات تونس، به‌عنوان اولین کشور از زنجیره تحولات کشورهای عربی، مقامات جمهوری اسلامی ایران از قیام مردم این کشور اعلام حمایت کردند. در ادامه و در جریان برگزاری همایش‌های بین‌المللی بیداری اسلامی نیز از قیام مردم تونس حمایت شده، دموکراسی‌خواهی این مردم مورد حمایت قرار گرفت. در آخرین روز دی‌ماه ۱۳۸۹ احمدی‌نژاد در سفر به یزد درباره تحولات تونس بیان کرد: «... در یک کلام، مردم تونس به دنبال برقراری مناسبات و احکام اسلام ناب محمدی (ص) هستند...» احمدی‌نژاد با تأکید بر اینکه غربی‌ها حق دخالت ندارند، خطاب به غربی‌ها اظهار کرد: «تصور نکنید با فریبکاری و جنگ روانی می‌توانید بار دیگر شرایط قبلی را در این کشور برقرار و ملت تونس را از حقوق مسلم خود محروم سازید.» (<http://donya-e-eqtesad.com>) چند ماه بعد، وزیر امور خارجه وقت، دکتر

صالحی، به تونس سفر کرده، از حمایت مستمر معنوی رهبری، دولت و ملت بزرگ ایران از انقلاب، عزت و کرامت مردم تونس سخن گفت. (<http://mfa.ir>)

دکتر امیرعبداللهیان معاون وزارت امور خارجه ایران در تحلیل تحولات مصر و لیبی و روند رویدادهای این دو کشور، با تأکید بر واژه بیداری اسلامی و نیز اقدامات مخالفان این تحولات چنین می‌گوید:

«در جریان مبارزات مردم مصر، علی‌رغم دستاوردهایی که در شروع انقلاب حاصل شد و عمدتاً هم توجه به شاخص‌های مبتنی بر بیداری اسلامی منجر به این دستاوردها شد، دشمنان انقلاب مصر تلاش کردند تا با به نمایش گذاشتن نوعی مداخله، سرکوب و خشونت، به ایجاد و گسترش حس یأس و ناامیدی در مردم بپردازند. در لیبی نیز ورود شتاب‌زده‌ی ناتو و برخی بازیگران منطقه‌ای به صحنه‌ی مبارزات از طریق بمباران‌های هوایی در این کشور، آن هم در شرایطی که انقلاب مردم لیبی متأثر از بیداری اسلامی داشت به اوج خود می‌رسید، در کنار ده‌ها هدفی که از سوی نظام سلطه دنبال می‌شد، یک هدف خاص هم داشت؛ این هدف خاص آن بود که این پیام به مردم منطقه منتقل شود که اگر شما هم مانند مردم لیبی بخواهید مطالبات خود را پیگیری کنید، نتیجه‌ی این پیگیری، حضور ناتو، جنگ و ناامنی در کشورتان خواهد بود.» (<http://mfa.ir>)

درباره سوریه و با توجه به جایگاه این کشور در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در قالب محور مقاومت و البته نوع تحولات این کشور، باید توجه و تمرکز بیشتری کرد. علی‌اکبر صالحی، وزیر امور خارجه وقت ایران، معتقد است؛ ایران از ابتدای بحران سوریه بر اولویت راهکارها و اقدامات سیاسی و مسالمت‌آمیز برای بازگشت آرامش به این کشور و اجرای اصلاحات سیاسی، تحقق خواسته‌ها و مطالبات مردم سوریه در فضای آینده از همگرایی فکری تأکید داشته است و از هیچ‌کوششی در این زمینه فروگذار نکرده است. او می‌گوید؛ ایران با کشتار مردم و شهروندان غیرمسلح از سوی هر طرفی مخالف است. وزیر امور خارجه وقت ایران با یادآوری حمایت تهران از اقدام «بان کی مون»، دبیرکل سازمان ملل متحد، برای انتخاب «کوفی عنان» به‌عنوان نماینده وی و همچنین انتخاب ناظران بین‌المللی می‌گوید:

«جمهوری اسلامی ایران طی مدت مأموریت کوفی عنان و دو مرحله سفر وی به تهران تمام تلاش خود را به کار بست تا طرح‌های نماینده سازمان ملل در سوریه بیشترین موفقیت را کسب کند. با وجود عدم حضور جمهوری اسلامی ایران در اجلاس ژنو، تهران از نتایج این اجلاس در اجرای کامل طرح عنان حمایت کرد.» وی با اشاره به استعفای کوفی عنان به‌عنوان نماینده ویژه سازمان ملل در تحولات سوریه می‌افزاید: «همان‌طور که آقای عنان در متن استعفای خود اعلام کرد، مسلح کردن برخی گروه‌ها و همچنین عدم یاری طرف‌های حامی آن-ها سبب شکست طرح وی شد.» (<http://mfa.ir>)

امیر عبداللهیان نیز درباره تحولات سوریه به چگونگی آغاز این بحران اشاره کرده، امریکا را به همراه رژیم صهیونیستی عامل اصلی این نوع بحران در سوریه می‌داند. او در این زمینه این‌گونه توضیح می‌دهد:

«بحران در سوریه از شهر مرزی «درعا» (Daraa) در نزدیکی اردن و «حمص» (Homs) و «حما» (Hama) در نزدیکی ترکیه و لبنان شروع شد، یعنی حتی اگر بخواهیم اسمش را انقلاب بگذاریم، شروع این انقلاب برخلاف مدل طبیعی سایر کشورها در آسیا و شمال آفریقا از شهرهای مرزی شروع شد، درحالی‌که شاید اگر مردم در سوریه فرصت پیدا می‌کردند، بخشی از مطالبات شکل می‌گرفت و مثلاً مخالفت‌هایی در پایتخت آغاز می‌شد، زیرا سوریه هم مثل خیلی از کشورهای عربی، نیازمند اصلاحات است ... و بلافاصله در اولین نماز جمعه گروه‌های مختلف خارجی را وارد کردند، به برخی از مردم هم سلاح دادند و درگیری مسلحانه در داخل نماز جمعه شکل گرفت ... حکومت سوریه را به واکنش‌هایی وادار کردند؛ بنابراین، طراحان جنگ داخلی در سوریه به دنبال آن بودند از تقویت محور مقاومت در منطقه که پیامد مشخص بیداری اسلامی بود جلوگیری کنند و راه‌حل آنان متلاشی کردن محور مقاومت و تقویت جبهه طرفداران رژیم صهیونیستی بود ... در سوریه با وجودی که جنس درگیری‌ها متفاوت از جاهای دیگر است، اما محور امریکا و رژیم صهیونیستی، مردمی را که ویژگی منحصر به فردی در سوریه دارند و در خط مقدم مبارزه با رژیم صهیونیستی قرار دارند، به سرعت وارد جنگ داخلی می‌کنند ... چون طراحان مقابله با بیداری اسلامی به‌خوبی می‌دانند که مردم کشوری که در خط مقدم مبارزه با رژیم صهیونیستی است، به دنبال انقلاب نیستند. مطالباتی دارند، اما برآورده شدن آن را از راه انقلاب نمی‌خواهند. پس اگر آمریکا منتظر بماند تا روزی مردم در یک میدان بزرگ جمع شوند و کار دولت را یک‌سره کنند، این انتظار بی‌نتیجه خواهد ماند. پس سوریه باید به‌سرعت وارد جنگ شود. همه‌ی این طراحی‌ها با این هدف انجام شد که این پیام توسط مردم منطقه دریافت شود که حرکت در مسیر بیداری اسلامی در تعارض با امنیت و رفاه مردم خواهد بود. پیامی که اگر مورد پذیرش مردم قرار می‌گرفت، ممکن بود در حفظ ثبات رژیم صهیونیستی در اوج امواج سهمگین بیداری اسلامی مؤثر واقع شود.» (<http://mfa.ir>)

با گذشت چند سال از آغاز تحولات سوریه، دکتر روحانی، رئیس‌جمهور جدید ایران، درباره تحولات سوریه و دلایل ادامه این بحران می‌گوید:

«خوب می‌دانیم که دعوای بر سر یک فرد یا یک رئیس‌جمهوری یا روی کار آمدن یک طایفه خاص در سوریه نیست. مسئله بالاتر از این حرف‌هاست و کاملاً روشن است که غرب برای کل منطقه ما برنامه دارد و منطقه را به شکل کنونی آن نمی‌پسندد ... آنچه در لیبی، تونس، مصر، یمن و بحرین اتفاق افتاده، حلقه‌هایی از یک جریان واحد برای تأثیرگذاری در منطقه و تضعیف خطوط مقاومت است ... تمام تلاش ما برای ثبات و آرامش در سوریه است و اگر شهروندان

سوری به هر کسی برای اداره کشورشان رأی بدهند ما با آن موافق خواهیم بود.»
<http://islamic-awakening.ir>

سیاست ترکیه در خصوص تحولات اخیر جهان عرب

از دیدگاه ترکیه، کشورهای خاورمیانه خود به ناچار به سمت دموکراسی خواهند رفت، حتی اگر این امر زمان زیادی به طول انجامد. احمد داود اوغلو، وزیر امور خارجه وقت ترکیه، سیاست خارجی این کشور را با توجه به روزهای ابتدایی تحولات این گونه توضیح می‌دهد:

«در آن زمان، سؤالی که ما به دنبال یافتن پاسخ برای آن بودیم، این بود: ... چه کسی در سمت درست تاریخ ایستاده است؟ معترضان تونس یا بن علی؟ مبارک یا جوانان میدان التحریر؟ و سؤالاتی از این قبیل. ما به این نتیجه رسیدیم که این یک نظم طبیعی است و هیچ توطئه‌ای در کار نیست. بهار عربی توسط نسل جوان عرب آغاز شده بود که باید محترم شمرده می‌شد.»
<http://zaman.com.tr>

همچنین او درباره دلیل این نوع موضع‌گیری ترکیه معتقد است که این سیاست ترکیه نشان از عمق تاریخی، شرایط جغرافیایی و میراث غنی در امور جهانی است. <http://zaman.com.tr> با توجه به تمامی اقدامات و رفتارهای دولت‌مردان ترکیه، می‌توان گفت موضع دولت این کشور درباره تحولات اخیر جهان عرب حاکی از نوعی سیاست بینابینی بوده است. ترکیه در پی اجرای برنامه‌های جدید خود در منطقه است که هدف از آن توسعه نفوذ و ایفای نقش رهبری در کشورهای اسلامی خاورمیانه و شمال آفریقا است. به همین دلیل این کشور سعی دارد از موضعی خیرخواهانه و بدون تدروی‌های یک‌جانبه تصمیم‌گیری کند. (قنبرلو، ۱۳۹۰: ۲۱۲)

دولت ترکیه در جریان وقوع انقلاب مردمی در تونس موضع‌گیری سریعی در قبال آن نداشت. به عبارت دیگر، به دلیل آنکه این تحولات در ابتدا ممکن بود برای دولت ترکیه و در چهارچوب سیاست خارجی این کشور فرصت‌ها و تهدیداتی به همراه داشته باشد، در ابتدا واکنش این کشور به این تحولات «سیاست سکوت» بود. (صبوحی و حاجی‌مینه، ۱۳۹۲: ۱۰۷) با این حال، سیاست خارجی ترکیه در قبال تونس به طور نسبی پس از سقوط رژیم بن علی فعال شد که با سفر احمد داود اوغلو وزیر امور خارجه این کشور به تونس همراه شد. وی در این دیدار انقلاب تونس را مدلی برای سایر کشورها برای پیگیری اصلاحات خواند و نسبت به انتقال آرام و مسالمت‌آمیز قدرت در این کشور ابراز امیدواری کرد. داود اوغلو در دیدار با مقامات تونس تأکید کرد که دولت موقت تونس نیازمند انجام تغییرات در قانون اساسی و تشکیل نهادهای مورد نیاز برای اطمینان از حاکمیت قانون است. داود اوغلو در جریان این سفر در مورد روابط دوجانبه دو کشور ترکیه و تونس بیان کرد ترکیه خود را متعهد به تقویت همکاری با تونس، به‌ویژه در حوزه‌هایی همچون توریسم و حوزه‌های اقتصادی می‌داند.

<http://allafrica.com> (2011)

در ادامه رجب طیب اردوغان، نخست‌وزیر ترکیه، در واکنش به تحولات مصر و حضور مردم در میدان «التحریر» قاهره به طور شدیداللحنی از حسنی مبارک، رئیس‌جمهور مصر، خواست که قدرت را کنار بگذارد. این موضع‌گیری، محبوبیت اردوغان را در میان معترضان مصری به دنبال داشت و در نوع خود اولین موضع‌گیری ترکیه و نشانه‌ای از آن بود که آنکارا تمایل دارد تا در کنار مردم خاورمیانه که در پی ساقط کردن رژیم‌های خود بودند، قرار گیرد. (http://jamestown.org.2011) اظهارات صریح اردوغان در مورد انقلاب مصر مؤید تمایل ترکیه برای نقش‌آفرینی فعال‌تر در تحولات منطقه بود. وی به مقامات مصری یادآور شد که «هیچ حکومتی نمی‌تواند نسبت به مطالبات دموکراتیک مردم خود غافل باشد. هیچ حکومتی نتوانسته از طریق سرکوب دوام بیاورد.» (http://allafrica.com.2011) همچنین او پس از آنکه خواستار کنار رفتن مبارک از قدرت شد، از مردم مصر نیز خواست که بدون توسل به خشونت به مبارزاتشان ادامه دهند. (http://jamestown.org.2011) اظهارات صریح اردوغان در کنار اقدامات دیگری نظیر دعوت از انقلابیون و نخبگان مصری برای بازدید از ترکیه و تبادل نظر با یکدیگر، تمایل آنکارا را برای تأثیرگذاری بر تحولات مصر بیشتر به نمایش گذاشت. با پیروزی مخالفان حسنی مبارک و تشکیل دولت جدید در مصر که به ریاست جمهوری محمد مُرسی، نماینده اخوان المسلمین، انجامید، روابط دو کشور به گرمی گرایید. عبدالله گل، اولین مقام بلندپایه خارجی بود که از مصر جدید دیدن کرد و پس از وی نیز رجب طیب اردوغان، نخست‌وزیر ترکیه، سپتامبر ۲۰۱۱ به این کشور سفر کرد. (Onis, 2012: 25) اما روابط نزدیک این دو کشور دوام چندانی نداشت. کودتای ارتش مصر علیه محمد مُرسی، برکناری از قدرت و بازداشت وی به همراه بسیاری از رهبران اخوان المسلمین و دیگر تحولات در مصر، موجب سردرگمی ترک‌ها شد. (صباحی و حاجی‌مینه، ۱۳۹۲: ۱۱۰)

اما نحوه برخورد ترکیه با تحولات کشور لیبی قدری متفاوت‌تر بود. لیبی یکی از شرکای اقتصادی مهم ترکیه بود. تجار ترکیه در طی دهه‌های گذشته میلیاردها دلار در این کشور سرمایه‌گذاری کرده‌اند. به همین دلیل زمانی که شورش‌های ضدحکومتی در «بنغازی» در فوریه ۲۰۱۱ آغاز شد، حدود ۲۵ هزار نفر از اتباع ترکیه در لیبی زندگی می‌کردند. (http://rc.majlis.ir) اقدامات خشونت‌بار رژیم قذافی علیه مخالفان، بیش‌ازپیش حجم انتقادات از موضع دولت اردوغان را افزایش داد. (http://jamestown.org.2011) این مسائل محاسبات حزب عدالت و توسعه در مورد لیبی را تغییر داد. مقامات ترکیه انتقاد از عملکرد رژیم قذافی را آغاز کردند. رجب طیب اردوغان که به تدریج از موضع انتقاد از عملیات ناتو در لیبی به سمت حمایت از این عملیات روی آورده بود، سرانجام از قذافی خواست که از قدرت کناره‌گیری کند. ترکیه درعین حال از «مصطفی عبدالجلیل»، رئیس گروه مخالفان لیبی، در آنکارا استقبال کرد. عبدالجلیل در جریان دیدارش از ترکیه (۲۳ ماه می ۲۰۱۱) خاطر نشان کرد

که حمایت ترکیه از مخالفان ثابت می‌کند که عملیات نظامی ناتو برخلاف آنچه معمر قذافی در لیبی ادعا کرده است، یک جنگ صلیبی نیست. ([http:// todayszaman.com.2011](http://todayszaman.com.2011))

جریان تحولات سوریه و مواضع و اقدامات ترکیه در این خصوص با موارد فوق تفاوت‌های عدیده‌ای دارد. ترکیه برای سال‌های متمادی روابط شکننده و غیرقابل اطمینانی با سوریه داشته است، اما این کشور با روی کار آمدن دولت حزب عدالت و توسعه، روابط خود را با سوریه بهبود بخشید. به طور همزمان دولت بشار اسد نیز تلاش کرد تا اختلافات گذشته خود را با دولت رجب طیب اردوغان حل و رابطه قابل اعتمادی با ترکیه برقرار کند، اما آغاز تحولات در سوریه روند روابط دو کشور را بار دیگر دست‌خوش دگرگونی کرد. ترکیه در قبال این ناآرامی-ها، به لحاظ مواضع اعلامی به انتقاد صریح از دولت بشار اسد در برخورد با مخالفان داخلی روی آورد و خواستار پایان دادن به برخوردها با معترضان شد. آنکارا همدردی خود با معترضان سوری را نشان داد و داود اوغلو، وزیر امور خارجه وقت ترکیه، در ماه اوت ۲۰۱۱ از دمشق دیدار کرد و از اسد انجام اصلاحات سیاسی را خواستار شد.

(<http://www.brookings.edu.2014>) به لحاظ مواضع اعمالی، مهم‌ترین اقدام دولت ترکیه در همان ابتدا میزبانی سه نشست گروه‌های مخالف دولت بشار اسد بوده است. این اقدام، نشانه آشکاری از سیاست‌های غیردوستانه دولت ترکیه نسبت به همسایه خود بود. اقدام دیگر ترکیه در قبال بحران سوریه، پذیرش هزاران تن از آوارگان سوری بود که به مرز دو کشور پناه آورده بودند. ترکیه اقدام به اسکان این آوارگان در اردوگاه‌های مستقر در بخش ترکیه‌ای مرز دو کشور کرد. (<http://rc.majlis.ir>)

در مجموع، پاسخ‌ها و واکنش‌های ترکیه به بحران سوریه از شروع آن (مارس ۲۰۱۱) تاکنون شامل مراحل متعدد و متنوعی بوده است. ترکیه در ابتدا اقدام به اجرای محرک‌های سیاسی شامل موضع حفظ وضع موجود کرد؛ سپس اقداماتی مانند اجبار اقتصادی و موضع درگیری محتاطانه، مرحله بعد، اولین تهدید نظامی شامل موضع درگیری کامل، در ادامه تهدید به استفاده از اهرم ناتو شامل موضع احساس نیاز به متحدان، مرحله بعدی، درخواست مداخله نظامی شامل موضع احساس نیاز به همراهی بین‌المللی و در ادامه، جست‌وجو برای یافتن راه‌حل‌های دیگر شامل موضع احساس نیاز به همکاری با همسایگان و پس از آن، تحریک ایالات متحده به مداخله یک‌جانبه شامل موضع همکاری نزدیک با هژمون جهانی و تجدیدقوای داخلی را آزمود. (<http://fa.cmess.ir>) اما آنکارا در طول این اقدامات همواره از مخالفان مسلح سوری حمایت کرده، تلاش کرد تا به صورت مستمر فشار را بر بشار اسد حفظ کند.

به‌طورکلی و با اندکی اغماض، شاید بتوان موارد مورد اختلاف دو کشور ایران و ترکیه را درباره تحولات در کشورهای مصر، لیبی (به غیر از دخالت ناتو در این کشور) و تا حدودی تونس، چندان جدی و متفاوت ندانست، اما زمانی که بحث از بحرین و به طور ویژه سوریه مطرح می-

شود، این اختلافات رنگ بیشتری به خود گرفته، نمود بیشتری می‌یابد. از طرف دیگر، تداوم اختلافات در بحران سوریه باعث شد تا مسائل جدیدتری روابط دو کشور را با تنش مواجه کند. استقرار سپر دفاع موشکی در خاک ترکیه، مداخله آنکارا در امور عراق و حمایت از اقلیت‌های مذهبی - قومی در برابر دولت مرکزی این کشور، تلاش برای ترویج اسلام سیاسی خاص و دولت‌های سکولار و حمایت ضمنی از برخی فعالیت‌های قوم‌گرایانه آذربایجانی‌های ایران در خاک ترکیه، مسائلی هستند که پس از بحران سوریه روابط دو کشور را تحت تأثیر قرار داد. (بنی‌هاشمی، ۱۳۹۱: ۱۸۱)

نتیجه‌گیری

در اواخر سال ۲۰۱۰، دیکتاتورهای خاورمیانه و شمال آفریقا با چالش‌های ناشی از خواسته‌های شهروندان خود مواجه شدند. این اعتراضات برای اولین بار در تونس در ۱۸ دسامبر ۲۰۱۰ آغاز شد و نتیجه آن به سقوط دیکتاتوری ۲۳ ساله رژیم بن علی در ۲۵ ژانویه ۲۰۱۱ منجر شد. پس از آن، مردم مصر موفق به برانداختن حسنی مبارک شدند و این تحولات مردمی به یمن، بحرین، لیبی و به‌نوعی دیگر به سوریه کشیده شد. این تحولات به نظر می‌رسد که نه تنها سیاست داخلی این کشورها را تغییر داد، بلکه در ژئوپلیتیک منطقه‌ای (خاورمیانه و شمال آفریقا) که دربرگیرنده سیستم‌های سیاسی، منافع ملی، اتحادها و رقابت‌ها است نیز تأثیرگذار بوده، ارزیابی مجدد آن‌ها احساس شد. در این محیط جدید، ترکیه و ایران که قدرت‌های سیاسی و اقتصادی مهم منطقه به شمار می‌روند، به دنبال پر کردن خلأ قدرت ایجاد شده هستند. بیش از چهار سال از بحران سوریه (پانزدهم مارس ۲۰۱۱) به‌عنوان اصلی‌ترین عامل تنش‌زا در روابط دو کشور می‌گذرد، اما هنوز اسد بر مسند قدرت است. از دلایل اساسی اشتباه دولت ترکیه در بازی‌خوانی سوریه می‌توان به عدم‌پیش‌بینی موضع‌گیری محکم روسیه و چین در حمایت از سوریه، عدم‌شناخت دقیق از گروه‌های مخالف دولت، خوش‌بینی مفرط از همراهی همه طایفه‌های سنی علیه بشار اسد، پیش‌بینی نادرست از مشارکت فراگیر کردها و ارزیابی نادرست از میزان وفاداری ارتش سوریه به نظام کشورشان اشاره کرد. به‌عبارت‌دیگر، تحولات اخیر جهان عرب به رقابت سیاسی و ایدئولوژیک میان ترکیه و ایران دامن زده است. سقوط حکومت‌های تونس، لیبی، مصر و یمن، در کنار قیام مردم بحرین و جنگ داخلی در سوریه، منجر به ازهم‌پاشیده شدن نظم سیاسی خاورمیانه شده است. اینک ترکیه و ایران، هر دو در پی بهره‌برداری از «نظم نوین» منطقه‌اند تا بتوانند منافع خود را در خاورمیانه تضمین کنند. روابط این دو کشور به واسطه برخی از مسائل، دستخوش تنش‌هایی جدی است، اما مهم‌ترین عامل ایجاد این تنش‌های فزاینده، همان‌گونه که بیان شد، حمایت ترکیه از مخالفان «بشار اسد»، رئیس‌جمهور سوریه، است. درحالی‌که سوریه تنها هم‌پیمان حقیقی ایران در خاورمیانه محسوب

می‌شود، در طول بحران سوریه، حمایت ایران از بشار اسد تنها به حمایت‌های لفظی محدود نشده است، بلکه جمهوری اسلامی ایران اقدام به حمایت‌های تسلیحاتی و نیز فرستادن برخی از فرماندهان نظامی خود به خاک سوریه برای مقابله با گروه‌های شورشی و تروریستی، در کنار نیروهای دولت سوریه کرده است. در صورت شکست مخالفان دولت اسد و انتخاب مجدد وی یا رسیدن فردی از نزدیکان او به قدرت، نه تنها مواضع ایران در منطقه تقویت شده، بلکه قدرت محور مقاومت بیش‌ازپیش ادامه خواهد یافت، اما در صورت سرنگونی اسد و در ادامه، به قدرت رسیدن مخالفان در این کشور، ضربه راهبردی شدیدی به ایران و محور مقاومت وارد خواهد شد. این امر ممکن است منجر به افزایش قدرت و نفوذ ترکیه در منطقه شود. ضمن اینکه سناریوی دیگری که باید بدان توجه کرد، احتمال تقسیم سوریه از سوی مخالفان (داخلی و خارجی) اسد است. این امر در صورت تحقق موجب هر چه پیچیده‌تر شدن معادلات سوریه و به تبع آن منطقه خواهد شد که البته در بهترین حالت نیز موجب تضعیف این کشور و محور مقاومت خواهد شد. احتمال دیگر در صورت سرنگونی اسد، میدان رقابت اصلی ایران و ترکیه، کشور عراق خواهد بود، زیرا عراق نیز برای ترکیه و ایران، به میدان رقابت روبه‌رشدی بدل شده است. عقب‌نشینی سربازان امریکا از عراق، منجر به ایجاد خلأ قدرتی در این کشور شد که ایران کوشیده است تا آن را پر کند، اما برخوردهای مذهبی میان شیعه و سنی در عراق، ترکیه و ایران را در قالب حامیان دو گروه مخالف رو در روی هم قرار داده است. با وجود اینکه در حال حاضر، رقابت ترکیه و ایران در عراق به اندازه تنش‌های دو کشور بر سر بحران سوریه جدی نیست، اما در صورت سقوط اسد، این رقابت نیز ممکن است شدت گرفته، با تحریک خشونت‌های گسترده مذهبی، منجر به بی‌ثباتی منطقه شود. نکته مهم دیگر اینکه، ادامه طولانی‌مدت شورش‌ها و جنگ داخلی در سوریه ممکن است منجر به ناآرامی شدن بخش کردنشین ترکیه شود. مسئله اقلیت کرد نیز تا چندی پیش خاستگاه تنش‌هایی در میان آنکارا و تهران بوده است. ترکیه به مورد حمایت قرار گرفتن «حزب کارگران کردستان»^۱، گروه شورشیان کرد ترکیه، از سوی سوریه و ایران مظنون بوده است. با گسترش ناآرامی‌ها در سوریه و سپس پیشروی داعش به داخل این کشور، کنترل حکومت اسد بر مناطق کردنشین حاشیه مرز ترکیه - سوریه کاهش یافته و اینکه چنین فرصتی ممکن است بتواند تمایل جمعیت کردهای ترکیه را برای دستیابی به خودمختاری بیشتری تقویت کند، باعث نگرانی عمیق ترکیه شده است. از سوی دیگر، به گمان ترکیه، دمشق و تا اندازه‌ای تهران ممکن است بخواهند با بهره‌برداری از آسیب‌پذیری ترکیه در برابر کردها در پی تحت فشار قرار دادن این کشور برای بازبینی و تغییر سیاست‌های خود در قبال حکومت سوریه باشند. ترکیه نیز با محدودیت‌های بسیاری روبه‌رو است. ایالات متحده انتظارات خاص خود را از این کشور به‌عنوان متحد خود دارد، اما با توجه به وابستگی ترکیه به صادرات انرژی ایران، به‌ویژه گاز طبیعی، انگیزه آنکارا

برای ممانعت از تخریب بیش از اندازه روابط ترکیه و ایران بسیار بالا است؛ بنابراین، مقامات امریکایی نباید از آنکارا انتظار داشته باشند که به خودی خود با طرح‌های سیاسی امریکا که باهدف مقابله با ایران تنظیم می‌شود، کاملاً همگام و هماهنگ باشد. ترکیه کماکان در پی حفظ سطحی از انعطاف‌پذیری در تنظیم سیاست‌های خود در قبال ایران خواهد بود و ممکن است در حمایت از برخی از ابتکارات امریکا که به نظر در تقابل با منافع جدی‌تر این کشور در حفظ رابطه خود با ایران قرار دارد، تردید کند. درعین حال، باید این را پذیرفت که راه و استراتژی ایران و ترکیه تفاوت‌های زیادی با هم دارد. ترکیه سعی دارد جزو اتحادیه اروپا باشد؛ متحد امریکاست و قراردادهای استراتژیک نظامی حتی با رژیم صهیونیستی دارد. همچنین سعی دارد روابطش را با کشورهای اسلامی و به‌ویژه ایران نیز حفظ کند. مسلماً دوگانگی زیادی در عملکرد ترکیه وجود دارد، ولی ترک‌ها این را به‌عنوان یک استراتژی خاص در روابط بین‌الملل می‌دانند. (<http://iranbalkan.net>)

وجود این دو خط متفاوت میان دو کشور دوست و همسایه یک واقعیت است و نباید انتظار داشته باشیم که یک نظام لائیک در یک کشور اسلامی و یک نظام کاملاً مذهبی در همسایگی شرقی آن در هر زمینه اتفاق نظر داشته باشند. این تفاوت‌ها، واقعیات زندگی سیاسی و روابط بین‌الملل است و باید در ارتباطات دیپلماتیک کاملاً واقع‌گرا بود. تاریخ شاهد این ادعاست که روابط دو کشور همواره دچار فراز و نشیب‌هایی بوده است. باید به این نکته نیز توجه کرد که همان‌طور که فشارها و تحریم‌ها علیه ایران وجود دارد، ترک‌ها نیز تحت فشارهای جدی هستند و کلپ غربی همیشه انتظارات خاصی از ترکیه دارد. ترک‌ها این مشکل را دارند که هم می‌خواهند کشورهای اسلامی را راضی نگه دارند و هم نمی‌خواهند با غربی‌ها مشکلی داشته باشند و مسلماً در این مسیر دچار تناقض شده و می‌شوند. بدون شک نمی‌توان به‌صورت همزمان با همه دوست بود. یک انسان یا حتی یک نظام سیاسی، هم باید دافعه داشته باشد و هم جاذبه. جمهوری اسلامی ایران، به دلیل آنکه دیپلماسی و روابط بین‌الملل خود را بر اصولی مشخص تنظیم و استوار کرده، هم دوستان و هم دشمنانی دارد، ولی ترکیه این‌گونه نیست و باید این را به‌عنوان یک واقعیت پذیرفت.

درمجموع، می‌توان گفت خط روابط ایران و ترکیه با همه فراز و نشیب‌های همیشگی به پایین نخواهد آمد. ترک‌ها تا به حال سعی کرده‌اند خود را در کنار ایران و دوست نشان دهند. از نظر اقتصادی نیز آن‌ها دوست دارند روابطشان را با ایران بیش از این نیز افزایش بدهند، زیرا بدون شک تحریم نفتی ایران، جامعه ترکیه را نیز تحت فشار قرار خواهد داد. همچنین جمهوری اسلامی ایران در روابط دیپلماتیک با ترکیه باید به این نکته دقت کند که رابطه‌اش با ترکیه تنها رابطه دو کشور مسلمان نیست، بلکه رابطه دو کشور است که نظام سیاسی‌شان هم متفاوت است؛ بنابراین، باید در میز مذاکره و روابط دیپلماتیک با ترکیه همه‌چیز با خونسردی و

واقع‌گرایی تمام در نظر گرفته شود. به دلیل آنکه روابط بین‌الملل، بده، بستان دیپلماتیک است، در این روابط نباید احساسات را دخیل کرد. باید به مقوله «لزوم جداسازی مقولات مختلف در عملکرد دیپلماتیک» توجه کرد، زیرا اگر ایران حرکت ترکیه در موضوع سوریه را نمی‌پسندد و با دیدگاه‌هایش سازگار نیست، نباید آن را به مسائل دیگر داخل کرده، انتظار داشته باشد همه کشورها مثل او فکر کنند. ضمن اینکه باید دانست که ممکن است در آینده نزدیک ترکیه نیز مجبور شود از خطی که اکنون درباره سوریه دنبال می‌کند، برگردد.

یادداشت‌ها

۱. فعالیت‌های ضدترکیه‌ای لابی‌های ارمنی و یونانی، موجب بهره‌گیری لابی یهودی برای نزدیکی به ترکیه شده است. (داود اوغلو، ۱۳۸۱: ۶۰)

2. Peace at home, peace in the world

3. Policy of zero problems with neighbors

۴. این حزب *Partiya Karkerên Kurdistanê* که به صورت مخفف به شکل «پکک» نوشته می‌شود، نام گروهی چپ‌گرا و مسلح در کردستان ترکیه است که از سال ۱۹۸۴ به‌عنوان سازمانی چریکی شناخته شده است که به‌صورت مسلحانه علیه دولت ترکیه برای خودمختاری کردستان و حقوق فرهنگی و سیاسی کردها در ترکیه مبارزه می‌کند.

کتاب‌نامه

الف - کتاب

۱. امبروز، استفن، (۱۳۶۳)، روند سلطه‌گری: تاریخ سیاست خارجی آمریکا (۱۹۸۳-۱۹۳۸)، ترجمه احمد تابنده، تهران: انتشارات چاپخش، چاپ دوم.
۲. بیلیس، جان؛ اسمیت، استیو، (۱۳۸۳)، جهانی‌شدن سیاست: روابط بین‌الملل در عرصه‌ی نوین، ترجمه ابوالقاسم راه‌چمنی و دیگران، تهران: مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر، چاپ دوم.
۳. داود اوغلو، احمد، (۱۳۸۱)، استراتژی منطقه‌ای ترکیه، ترجمه سید عباس هاشمی، تهران: انتشارات آذربرزین، چاپ اول.
۴. داود اوغلو، احمد، (۱۳۹۱)، عمق راهبردی؛ موقعیت ترکیه در صحنه بین‌الملل، ترجمه محمدحسین نوحی نژاد ممقانی، تهران: انتشارات امیرکبیر، چاپ اول.
۵. زکی بیگ، محمدامین، (۱۳۸۱)، زبده تاریخ کرد و کردستان، ترجمه یدالله روشن اردلان، تهران: نشر توس، چاپ اول.

۶. سلامتی، اعظم، (۱۳۸۹)، سیاست خارجی اسلام‌گرایان ترکیه، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، چاپ اول.
۷. مشیرزاده، حمیرا، (۱۳۹۳)، تحول در نظریه‌های روابط بین‌الملل، تهران: انتشارات سمت، چاپ نهم.
۸. یونسینان، مسعود، (۱۳۸۴)، یهودیان ترکیه و ابعاد روابط ترکیه و اسرائیل، تهران: انتشارات مؤسسه ابرار معاصر.
- ب- مقالات**
۹. آجرلو، علی، (۱۳۹۰)، «خیزش مردمی در شمال آفریقا و خاورمیانه عربی (تهدیدات و فرصت‌های پیش روی ایران)»، بصائر، تهران: مجله سیاسی - راهبردی سازمان عقیدتی سیاسی ارتش ج.ا، سال ۲۸، شماره ۳۰۷، صص ۱۸-۱۲.
۱۰. بنی‌هاشمی، میرقاسم، (۱۳۹۱)، «سیاست خارجی نوین ترکیه و موقعیت منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران»، پژوهشنامه دفاع مقدس، تهران: مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس، سال اول، شماره ۴، صص ۱۸۷-۱۵۹.
۱۱. جهان‌بین، فرزاد؛ پرتو، فتح‌الله، (۱۳۹۱)، «راهبرد سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در قبال جنبش بیداری اسلامی اخیر»، پژوهشنامه انقلاب اسلامی، همدان، دانشگاه بوعلی سینا، سال اول، شماره ۳، صص ۱۴۳-۱۱۷.
۱۲. چتین سایا، گوکهان، (۱۳۸۵)، «ریشه‌های تاریخی روابط ایران و ترکیه»، ترجمه سید اسدالله اطهری، فصلنامه مطالعات خاورمیانه، تهران: مرکز پژوهش‌های علمی و تحقیقات استراتژیک خاورمیانه، سال ۱۳، شماره ۳ و ۲، صص ۱۴۴-۱۱۹.
۱۳. صبحی، مهدی؛ حاجی‌مینه، رحمت، (۱۳۹۲)، «بررسی مقایسه‌ای رویکرد ایران و ترکیه در قبال تحولات عربی؛ بررسی موردی تونس، مصر و لیبی»، روابط خارجی، تهران: مرکز تحقیقات استراتژیک، سال ۵، شماره ۲۰، صص ۱۳۴-۹۹.
۱۴. حاجی یوسفی، امیرمحمد، (۱۳۸۱)، «نظریه والتز و سیاست خارجی ایران: مطالعه مقایسه‌ای دوران جنگ سرد و پساجنگ سرد»، فصلنامه سیاست خارجی، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه سال ۱۶، شماره ۴، صص ۱۰۳۰-۱۰۰۵.
۱۵. حیدری، محمد؛ انعامی علمداری، سهراب، (۱۳۸۸)، «رفتارشناسی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران پس از یازده سپتامبر ۲۰۰۱»، فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، کرج: دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرج، شماره ۹، صص ۱۷۳-۱۹۴.
۱۶. قنبرلو، عبدالله، (۱۳۹۰)، «نقش کنش‌گران فراملی در جنبش‌های ۲۰۱۱ جهان عرب»، فصلنامه مطالعات راهبردی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی، سال ۱۴، شماره ۲، صص ۲۳۳-۱۹۹.
۱۷. قنبرلو، عبدالله، (۱۳۹۱)، «ملاحظات امنیت ملی و غرب‌گرایی در سیاست خارجی ترکیه»،

فصلنامه مطالعات راهبردی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی، سال ۱۵، شماره ۴، صص ۱۹۸-۱۷۱.

۱۸. مسعودنیا، حسین و همکاران، (۱۳۹۱)، «ترکیه و بحران سوریه؛ از میانجیگری تا حمایت از مخالفان دولت»، فصلنامه مطالعات سیاسی جهان اسلام، قزوین: دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره)، سال اول، شماره ۴، صص ۱۱۰-۸۳.

۱۹. هاشمی، سید عباس، (۱۳۹۱)، «هویت و جایگاه سیاسی علویان ترکیه»، فصلنامه مطالعات سیاسی جهان اسلام، قزوین: دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره)، سال اول، شماره ۴، صص ۱۳۱-۱۱۱.

۲۰. یزدان‌فام، محمد، (۱۳۹۰)، «تحولات جهان عرب؛ صورت‌بندی قدرت و هویت در خاورمیانه»، فصلنامه مطالعات راهبردی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی، سال ۱۴، شماره ۵۲، صص ۷۷-۴۷.

ج- اینترنتی

۲۱. بی‌نا، (۱۸ خرداد ۱۳۹۲)، «بازخوانی بحران سوریه تاکنون و دلایل تغییر مواضع ترکیه در قبال سوریه؛ موضوع نشست گروه ترکیه‌شناسی»، قابل دسترسی در:

<http://www.fa.cmess.ir/View/tabid/127/ArticleId/2078.aspx>

۲۲. جانسیز، احمد، (۱۶ فروردین ۱۳۹۱)، «آینده روابط ایران و ترکیه»، قابل دسترسی در:

<http://www.iranbalkan.net/view-8740.html>

۲۳. روحانی، حسن، (۲۶ شهریور ۱۳۹۲)، «بحران سوریه بخشی از توطئه غرب برای منطقه است»، قابل دسترسی در:

<http://www.islamic-awakening.ir/?a=content.id&id=44994>

۲۴. سلیمانی، افشار، (۲۳ اردیبهشت ۱۳۹۳)، «آب شدن یخ روابط تل آویو- آنکارا در آستانه انتخابات/ نگاهی به پیشینه روابط ترکیه و اسرائیل»، قابل دسترسی در:

<http://www.khabaronline.ir/detail/354858/weblog/soleimani>

۲۵. امیراحمدیان، بهرام، (۷ فروردین ۱۳۹۳)، «یک دهه روابط تجاری ایران و ترکیه زیر ذره‌بین/ حوادث منطقه‌ای چقدر در اقتصاد ایران و ترکیه سهم داشتند؟»، قابل دسترسی در:

<http://khabaronline.ir/detail/346451/Economy/commerc>

۲۶. بیانات مقام معظم رهبری، (۲۶ شهریور ۱۳۹۰)، «بیانات در اجلاس بین‌المللی بیداری اسلامی»، قابل دسترسی در:

<http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=17269>

۲۷. چاکراوگلو، آلپر، (۷ مهر ۱۳۹۲)، « سرمایه گذاری ترکیه در ایران ۱۶۳ میلیون دلار است»، قابل دسترسی در:

<http://www.mehrnews.com/detail/News/2144975>

۲۸. صالحی، علی اکبر، (۵ اردیبهشت ۱۳۹۱)، « اظهارات وزیر امور خارجه ایران در جمع دیپلمات های خارجی مقیم تونس»، قابل دسترسی در:

<http://www.mfa.ir/index.aspx?fkeyid=&siteid=1&pageid=2011&newsview=18824>

۲۹. امیرعبداللهیان، حسین، (۲۳ شهریور ۱۳۹۲)، «گفت و گو پایگاه اطلاع رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت الله خامنه ای با معاون عربی و آفریقایی وزارت امور خارجه درباره تحولات سوریه»، قابل دسترسی در:

<http://mfa.ir/index.aspx?siteid=1&pageid=2018&newsview=10443&pro=nobak>

۳۰. امیری، مهدی، (۵ آبان ۱۳۹۰)، «سیاست خارجی ترکیه در قبال تحولات خاورمیانه؛ غلبه غرب‌گرایی بر اسلام‌گرایی»، قابل دسترسی در:

<http://rc.majlis.ir/fa/report/show/798859>

۳۱. (۵ خرداد ۱۳۹۴)، «ایران و ترکیه به هم می‌غزند، اما به هم حمله نمی‌کنند»، قابل دسترسی در:

<http://.tik.ir/fa/news/87166>

د - انگلیسی

32. "Davutoğlu: Arap Baharı Bu Yeni Neslin, Olayı Sahiplenmesinin Bölgesel Bir Sonucudur". Available at: http://www.zaman.com.tr/dunya_davutoglu-arap-bahari-bu-yeni-neslin-olayi-sahiplenmesinin-bolgesel-bir-sonucudur_1298898.html (5 June 2012)

33. Davutoglu, Ahmet, (7 March 2013), "Speech Delivered by H.E. Ahmet Davutoğlu, Minister of Foreign Affairs of Turkey", Available at: http://www.mfa.gov.tr/speech-delivered-by-h_e_-ahmet-davutoglu_-minister-of-foreign-affairs-of-turkey_-in-the-university-of-london-school-of-economics.en.mfa

34. Today's Zaman (23 May, 2011), Libyan opposition thanks turkey for its Support.

35. Cagaptay, S. and Evans, T. (2014) The Unexpected Vitality of Turkish-Israeli Trade, The Washington Institute For Near East Policy, Available at: <http://www.washingtoninstitute.org/uploads/Documents/pubs/ResearchNote16.pdf> (22 July 2014)

36. F. Gregory G. (2014) "Beyond Sectarianism: The New Middle East Cold War", Available at: <http://www.brookings.edu/research/papers/2014/07/22-beyond-sectarianism-cold-war-gause> (22 July 2014)

37. F. Larrabee, S. (2013) *Troubled Partnership: U.S.-Turkish Relations in an Era of Global Geopolitical Change*, Santa Monica, Calif: RAND Corporation, MG-899-AF, 2010a. Available at: <http://www.rand.org/pubs/monographs/MG899> (18 February 2013)

38. Karabat, A. (2011) "Turkey- Egypt Ties to deepen if Mubarak Leaves power", *Sunday's Zaman*: Available at: <http://www.todayszaman.com/news-234617-turkey-egypt-ties-to-deepen-if-mubarak-leaves-power.html>.

39. Kardas, S. (2011), "Syrian Uprising tests Turkey's middle east Policy", Available at: http://www.jamestown.org/programs/edm/single/?tx_ttnews%5Btt_news%5D=37910&tx_ttnews%5BbackPid%5D=512&no_cache=1#.VNJcVy5Bk8U (May 10, 2011)

40. Onis, Z. (2012) "Turkey and the Arab Spring: Between Ethics and Self-Interest", *Insight Turkey*, Vol. 14, No. 3, pp. 45-63.

41. Perry-Castañeda Library Map Collection, Available at:
http://www.lib.utexas.edu/maps/middle_east_and_asia/middle_east_pol_2013.pdf

42. Turgut, P. (2011) "A Model of middle east democracy, Turkey calls for change in Egypt", *Time*. Available at: www.allafrica.com (22 February, 2011), "Tunisia's revolution is an Important event for Tunisia and the whole world"/2759.

43. "Synopsis of the Turkish Foreign Policy". Available at:
<http://www.mfa.gov.tr/synopsis-of-the-turkish-foreign-policy.en.mfa> (6 June 2014)